



درس فراه فقہ استاد حاج سید مجتبیٰ نورمفیدی

تاریخ: ۲۵ فروردین ۱۳۹۵

موضوع کلی: القول فيما يجب فيه الخمس - الخامس: مايفضل عن مؤونة السنة

مصادف با: ۵ رجب ۱۴۳۷

موضوع جزئی: مسئله نهم - صور چهارگانه

جلسه: ۸۷

سال ششم

«الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين واللعن على اعدائهم اجمعين»

مسئله نهم

«لو كان بعض الاموال التي يتجر بها، وارتفعت قيمتها موجوداً عنده في آخر السنة، و بعضها ديناً على الناس»
امام (ره) می فرماید: اگر بعضی از اموالی که با آن تجارت می کند و قیمت آن بالا رفته است، در پایان سال نزد او موجود باشد و برخی به عنوان دین بر عهده مردم باشد، یعنی از آن اموال، بعضی را فروخته ولی هنوز ثمن آن معامله را نگرفته است، بلکه مردم به او بابت این اموال بدهکار هستند و برخی هم باقی مانده و هنوز فروخته است.

«فإن باع الموجود أو امکن بيعه، و أخذ قيمته يجب عليه خمس ربحه و زیادة قيمته» می فرماید: اگر این اموال موجود را بفروشد یا امکان فروش و اخذ قیمت آن باشد، در این صورت خمس ربح و زیاده قیمت بر او واجب است، «وَأما الذي على الناس»، اما آن بخشی را که فروخته و از مردم طلبکار است، این دو صورت دارد:

صورت اول: «فإن كان يطمئن باستحصاله متى أراد، بحيث يكون كالموجود عنده، يخمس المقدار الزائد على رأس ماله»، اگر اطمینان به استحصال دین دارد، یعنی طلبی است از مردم که هر زمان که اراده کرد می تواند آن را وصول کند، به نحوی که کأنّ مثل مالی است که نزد خودش موجود است، در این صورت باید خمس مقدار زائد بر رأس المال را بدهد.

صورت دوم: «و ما لا يطمئن باستحصاله، يصبر إلى زمان تحصيله، فمتى حصله تكون الزيادة من ارباح سنة التحصيل» و اما آن مقدار از دین که اطمینان به استحصال آن ندارد و الان آن ثمن قابل وصول نیست، صبر کند تا زمانی که آن دین تحویل شود و طلب خود را از مردم وصول کند، پس زمانی که آن دین را تحویل کرد، آن وقت آن زیاده و ارتفاع قیمت را در زمره و از جمله سود همان سالی قرار دهد که دین را تحویل کرده است.

این یک فرعی است که امام (ره) بدنبال مسئله هشتم و بدنبال بحث از ارتفاع قیمت و زیاده حکمی مطرح کرده اند، اصل بحث این بود که اگر مال التجاره ارتفاع قیمت پیدا کند، در حالی که قبلاً خمس آن داده شده، در صورتی ارتفاع قیمت متعلق خمس است که امکان بیع و اخذ قیمت آن باشد، به دنبال این فرعی را امام مطرح کرده اند که اگر کسی مالی دارد که این مال مخمس است مثلاً یک تن گندم دارد که خمس آن داده شده، لکن افزایش قیمت پیدا کرده است، اگر این یک تن گندم مثلاً سال قبل یک میلیون تومان بوده و امسال قیمت آن دو میلیون تومان شده است، لکن بعد از آنکه افزایش قیمت پیدا کرده است نیمی از این مال را فروخته و نصف آن هم نزد خودش موجود است؛ در مورد این مال موجود امام (ره) می فرماید: خمس ارتفاع قیمت واجب نیست مگر اینکه این مال را بفروشد یا امکان فروش آن باشد، همین که امکان فروش این مال و

اخذ قیمت آن باشد باید خمس ارتفاع قیمت را بپردازد، هرچند نفروخته ولی صرف امکان بیع و اخذ قیمت کافی است برای تعلق خمس به زیاده قیمت در این مثلاً پانصد کیلو گندمی که در اموال او موجود است.

اما در مورد اموالی را که فروخته و پول آنها را هنوز از مردم نگرفته و از مردم طلبکار است و به صورت دین بر مردم است می‌فرماید: دو صورت یا دو فرض دارد: اگر آن دین یا بدهی مردم به گونه‌ای است که بایع اطمینان دارد که هر وقت سراغ بدهکاران برود، آنها پول او را می‌پردازند، این کالموجود عنده است و مثل این می‌ماند که این مال در دست خودش می‌باشد. بنابراین فائده نصیب او شده است، لذا باید در این فرض خمس زیاده قیمت را در اموال فروخته شده‌ای که هنوز پول آن را وصول نکرده، بپردازد، ولی اگر ثمن آن اموال که فروخته در دست مردم باقی است و اطمینان هم ندارد که هر وقت اراده کند بتواند طلب خود را از مردم وصول کند، در اینجا می‌فرماید باید صبر کند تا زمانی که بدست او برسد، مثلاً بعد از این سال مالی اگر بدست او رسید، آنوقت سود بدست آمده یا به عبارت دیگر آن افزایش قیمت را باید جزء سود سال مالی بعدی قرار دهد، همان سالی که این طلب را در آن سال وصول می‌کند.

این فرع با همه صور و شقوقی که امام در آن فرمودند، کاملاً مبنای آن روشن است، بالاخره تفصیل مبنای این حکم در مسئله هشتم معلوم شد. طبق آنچه گفته شد «صدق عنوان فائده»، ملاک عمده برای تعلق خمس است، بنظر امام (ره) فائده در صورتی صدق می‌کند که امکان بیع و اخذ قیمت باشد و إلا کأن فائده نیست و لذا متعلق خمس نخواهد بود.

صور چهارگانه مسئله نهم

اگر ما بخواهیم پیرامون این مسئله سخن بگوییم و یک تصویر جامعی از این مسئله ارائه بدهیم، در مجموع می‌توانیم بگوییم اموالی که با آن تجارت صورت می‌گیرد و قیمت آن افزایش پیدا کرده است، به طور کلی چهار فرض برای آن متصور است، که از این چهار فرض امام (ره) یک فرض را بیان کرده‌اند.

فرض اول اینکه همه این اموال فروخته شود و پول همه آن اخذ شود.

فرض دوم اینکه از اموال مذکور هیچ چیزی فروخته نشود و همه در پایان سال مالی موجود باشند، در حالی که قیمت آن هم افزایش پیدا کرده است.

فرض سوم همان فرضی است که امام بیان کردند، که بعضی از اموال را نفروخته و نزد او موجود است و بعضی را فروخته ولی ثمن آن را وصول نکرده و به صورت دین بر عهده مردم است.

فرض چهارم اینکه همه این اموال را فروخته ولی ثمن این اموال بصورت دین بر عهده مردم است، اما وقت اداء ثمن بعد از این سال مالی است، به عبارت دیگر نسیه فروخته است، بیع نسیه.

این چهار فرض در این مقام متصور است. از این چهار فرض امام فقط متعرض فرض سوم شده‌اند.

حکم صورت اول

حکم فرض اول روشن است و نیازی به تعرض نداشته چون، وقتی مالی فروخته شود و همه ثمن آن معامله اخذ شود، قهراً طبق همه مبانی، این افزایش قیمت متعلق خمس است، چه بر مبنای ما و چه بر مبنای مفصلین، حتی آنها که بیع و قبض قیمت را شرط می‌دانند؛ چون بالاخره در اینجا عملاً این مال فروخته شده و پول آن هم گرفته شده است، پس افزایش قیمت

قهرأ سبب تعلق خمس است، لذا حکم فرض اول معلوم است و وجه عدم تعرض امام(ره) نسبت به این فرض و احتمال این است که مسئله کاملاً واضح و روشن است.

حکم صورت دوم

اما فرض دوم این بود که از اموال مذکور هیچ چیزی فروخته نشود، ضمن اینکه افزایش قیمت هم پیدا کرده است، اما به هر دلیل همه این اموال در پایان سال مالی موجود هستند. در اینجا آیا لازم است بابت افزایش قیمت خمس بدهد یا خیر؟ مثلاً یک تن گندم داشته به قیمت یک میلیون تومان که خمس آن را هم داده بوده، الان در پایان سال همان یک تن گندم را دارد، نه کم شده نه زیاد ولی قیمت آن دو میلیون تومان شده است. آیا در اینجا خمس این یک میلیون تومان افزایش قیمت را باید بپردازد یا خیر؟ در اینجا طبق مبانی که در مسئله هشتم گفتیم حکم متفاوت می‌شود؛ بنا بر مبنای ما که قائل به وجوب خمس مطلقاً در افزایش قیمت شدیم، در اینجا باید خمس افزایش قیمت را بپردازد، چه امکان بیع باشد چه نباشد، چه آن را بفروشد چه نفروشد، در هر صورت باید خمس افزایش قیمت را بپردازد. چون فائده محقق شده است.

فائده حتماً یک بره نیست که از گوسفند متولد شود، فائده در هر جا به حسب خودش می‌باشد، در زیاده عینیه همه قبول دارند که به آن فائده می‌گویند، نماء اعم از متصل و منفصل، فائده می‌باشد. آن گاه چگونه افزایش قیمت فائده نیست؟ طبق مبنای امام(ره) که معتقد است به تعلق خمس به افزایش قیمت در صورت امکان بیع و امکان أخذ آن، قهرأ در صورتی نسبت به ارتفاع قیمت در این اموال موجود خمس واجب می‌شود که امکان فروش آن باشد، ولی اگر امکان فروش آن نباشد، قهرأ خمس واجب نیست.

بنا بر مبنای کسانی مثل مرحوم آقای بروجردی هم که بیع فعلی را شرط تحقق عنوان فائده می‌دانند، قهرأ حکم روشن است و در این فرض خمس واجب نیست چون هنوز مال را نفروخته است.

ارزش صدقه و انفاق در ماه رجب

یکی از کارهایی که در ماه رجب در کنار عبادت و زیارت، بسیار با اهمیت است، صدقه و انفاق و کمک به دیگران است؛ این نکته در تعالیم دینی خیلی اهمیت دارد که هر جا که تأکید بر عبادت و بندگی خدا شده، توصیه به دستگیری و کمک به نیازمندان هم شده است. شما ببیند در روایات پیرامون به صدقه چه تعبیراتی وارد شده است، در یک روایتی از امام صادق (ع) وارد شده که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: هیچ چیزی نیست مگر اینکه من دیگری را موکل گرفتن آن کرده‌ام إلا صدقه که آن را بدست خودم می‌گیرم، تا جایی که اگر مرد یا زنی خرما یا نصف خرمایی را صدقه دهد، آن را پرورش می‌دهم همانند کسی که کره اسب را تربیت و بزرگ می‌کند و چون زمانی که در روز قیامت آن شخص به من می‌رسد، همان صدقه ناچیز را خواهد دید در حالی که مثل کوه احد می‌باشد^۱.

یک دانه خرما یا هسته خرما را خود خداوند می‌گیرد، (البته اگر خالصانه باشد) و پرورش می‌دهد و روز قیامت تبدیل به کوه می‌شود. این خیلی مهم است که خداوند تبارک و تعالی این چنین سخن می‌گوید. اگر یک دانه خرما به کسی صدقه داده شود، ببینید به چه سرانجامی می‌رسد.

۱. وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۳۸۲.

ما در آیات قرآن هم داریم: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»؛ مثل کسانی اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند مثل دانه ای است که هفت خوشه از او روییده می‌شود که در هر خوشه صد دانه وجود دارد، ببینید خداوند چگونه انفاق در راه خودش را چند برابر می‌کند! حال صدقه با این همه اهمیت و ارزش، در ماه رجب ارزش غیر قابل تصور می‌کند.

امام صادق (علیه السلام) از امام باقر (علیه السلام) همینطور از پدرانشان تا برسد به امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل می‌کند که امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: «هر کسی در ماه رجب بخاطر خدا صدقه دهد، خداوند در روز قیامت در بهشت با چنان ثوابی وی را اکران می‌کند که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه بر قلب بشری خطور کرده است).

صدقه‌ای که یک دانه خرما یا آن به طور معمول کوه احد می‌شود، انفاقی که از یک دانه آن هفت خوشه و در هر خوشه صد دانه می‌روید، این در ماه رجب چه وضعیتی پیدا می‌کند؟ امام (علیه السلام) اینجا در مقام توصیف پاداش صدقه دیگر ده تا و صد تا و کوه احد بیان نکرد، بلکه می‌گوید: چشمی آن را ندیده و گوشی نشنیده و بر قلب بشری خطور نکرده است. در موارد دیگر برای صدقه مثال زد، گفت اندازه کوه احد می‌شود، یک دانه انفاق در راه خدا می‌شود هفت خوشه و هر خوشه صد دانه می‌شود، آنها قابل دیدن و شنیدن هستند و قلب و ذهن بشر می‌تواند آن را درک کند، اما همین صدقه، همان دانه، همان حبه خرما، در ماه رجب به جایی می‌رسد که پاداش و ثواب آن قابل توصیف نیست.

این خیلی مهم است که در مکتب اهل بیت (ع) و اسلام، اینقدر به مردم و حوائج مردم، در کنار عبادت و نماز و روزه و ذکر و زیارت امام رضا (علیه السلام) و زیارت امام حسین (علیه السلام)، اهمیت داده شده است، این دستور العمل مخصوصاً در شرائطی که جامعه ما در آن است، که واقعاً افراد گرفتار بسیاری در آن زندگی می‌کنند، خیلی می‌تواند راه گشا باشد و امیدواریم همه چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی همت کنیم و تا می‌توانیم گره از کار مردم باز کنیم و مشکلی از مشکلات مردم را برداریم تا ان شاء الله بتوانیم فقر را ریشه کن کنیم.

«الحمد لله رب العالمین»